

۳۰۰ طرح لباس در رویداد «برکت دیدار»

رویداد «برکت دیدار» با محوریت البسه مذهبی محرم و اربعین برگزار خواهد شد. محمد جواد قاسمیان، معاون اجرایی کارگروه مد و لباس درباره این رویداد گفت: خلأ تولید و عرضه لباس مبتنی بر نقوش ایرانی و اسلامی برای مراسم آیینی و مذهبی احساس می‌شد و بر همین اساس هم با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، لباس‌های مذهبی را مدنظر قرار دادیم. او ادامه داد: با توجه به هدف برگزاری این رویداد، نام آن برکت دیدار

گذاشته شد. نام برکت دیدار براساس حصول و رسیدن به هدف مقدس شرکت در یک مراسم مذهبی و در واقع استعاره از دیدار بزرگوار است که مراسم مذهبی با نامش برگزار شده است. معاون اجرایی کارگروه مد و لباس اظهار کرد: بعد از محرم و اربعین سال گذشته به این فکر افتادیم لباس‌هایی برای بازار هدف ایام مذهبی طراحی و آماده شود، البته هدف تنها ایام محرم و اربعین نبوده و تمام مناسبت‌های مذهبی حتی

ایام شادی را هم شامل می‌شد. با این حال در این رویداد لباس‌هایی با محوریت محرم و اربعین طراحی شده است. قاسمیان گفت: در همین راستا نیازسنجی‌هایی هم از اماکن مقدس صورت گرفت و مشکلاتی که وجود داشت احصا شد و طرح‌نامه‌ای هم به نام لباس زیارت شکل گرفت. در این رویداد حدود ۳۰۰ طرح از سوم تا پنجم تیرماه از ساعت ۱۱ تا ۲۰ و دقیقه در هتل هما به نمایش درخواهد آمد.



نگاهی به گونه‌ای از گردشگری که ایران از آن غافل است

توریسم باطعم غذا



گردشگری غذا را شناخت فرهنگ، آداب

و رسوم یک منطقه با امتحان کردن غذاهای محلی و سنتی آن دانسته‌اند که بخشی مهم از صنعت توریسم و گردشگری در جهان امروز است. ترکیه یکی از کشورهایی است که به‌شدت روی درآمد‌های گردشگری غذا حساب باز کرده و شهر استانبول به‌عنوان قلب

اقتصادی ترکیه نقش مهمی در این امر دارد. این در حالی است که منابع فراوان، گوناگونی و جذابیت‌های اقلیمی، تنوع قومی و فرهنگی، جغرافیا و اقلیم پهناور ایران و همچنین گستردگی انواع و اقسام سبک‌های آشپزی ایرانی، تنها برخی از مزیت‌های مهم و در دسترس برای توسعه گردشگری براساس جذابیت‌های خوراکی کشور ما در مقایسه با کشور ترکیه است. گزارش می‌خوانید حاصل سفری چند روزه در بهار ۱۴۰۲ به بیژان‌تپوم و قسطنطنیه قدیم و استانبول فعلی است.

کتابخوانی روبه‌روی برج گالاتا

کنار اسکله معروف ایپنومو در نزدیکی پل گالاتا نشسته‌ام. در سمت راستم خانواده‌ای ۵.۶ نفره که ظاهراً مسافر یورسا هستند آنچنان حجاب و پوشش خاصی و مشابه حجاب مرسوم در ایران دارند که ابتدا شک می‌کنم اهل ترکیه باشند. وقتی با شیطنت چچه‌های همراه گروه سر و صداها بالا می‌گیرد، شک برطرف می‌شود. در سمت راست جوانی ۲۵ ساله در آرامش کناره‌های شاخ طلایی یا همان (golden horn) در حال خواندن کتابی است که به نظر می‌رسد او را در این غوغا و هیاهوی پر دامنه با خود به سفری دور و دراز برده است. روبه‌رویم برج معروف گالاتاست و پشت سرم بازار معروف ادویه استانبول واقع شده که هنوز به یاد تاجران مصری ادویه، بازار مصری‌ها نامیده می‌شود. در روزی که هوای بارانی صبح، طراوتی خاص به ساحل دریای مرمره بخشیده است، ماهیگیران همیشگی پل گالاتا مشغول ماهیگیری هستند. نوعی از سرگرمی که به‌عنوان تفریحی بی‌پایان و جدای از نتیجه آن، برای عده‌ای تبدیل به نوعی عادت روزمره شیرین شده است.

گرچه برج بزرگ گالاتا در چشم‌انداز این ساحل طولانی سازه‌ای بزرگ به چشم می‌آید اما در هلالی وسیع که در تالاب خورشید صبحگاه آبی آسمان را به فیروزی دریا پیوند زده است، مناره‌های سر به فلک کشیده مسجدهای سفید ایستاده بر ساحل بدجوری خودشان را به رخ می‌کشند. هرچند در کنار آن بناهای زیبا، ساختمان‌های سر به فلک کشیده‌ای که نماد مدرن استانبول امروز هستند، چنان در افق نگاه بینندگان صف کشیده‌اند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. در مسیر آمدن به ساحل و عبور از بازار ادویه معروف این منطقه کلمه «بهارات» توچه‌م را به خود جلب می‌کند. کلمه‌ای که ترک‌ها آن را از عرب‌ها گرفته‌اند و توانسته است در سراسر بازار مصری‌ها به جای واژه «ادویه» بنشیند، واژه‌ای که قرن‌های طولانی برای اشاره به هندوستان از آن استفاده می‌شده است.

از قهوه قجری تا قهوه ترک

در مغازه‌ای که نام سلیمان روی در آن حک شده است، واژه (Türk Kahvesi) یا همان قهوه ترک خودمان حکایت از پادشاهی این نوشیدنی تلخ در کشور ترکیه دارد. قهوه‌ای که گاهی آن را تلخ، گاه کمی شیرین و گاهی هم کاملاً شیرین سرو می‌کنند.

نوعی نوشیدنی که جهانی شده است و این روزها گاهی زمینه جانشینی آن با چای، در ایران هم به گوش می‌خورد. نوشیدنی محبوبی که نوع قجری آن اصلاً نمی‌تواند به کسانی که از ماجراهای آن در دوره قاجار اطلاع دارند، حسی خوبی بدهد. قبل از سفر کتاب «پانصد سال آشپزی عثمانی» را خوانده‌ام و می‌دانم که دنیای جادویی غذاهای صرف شده در کاخ‌های عثمانی، چنان تاریخ دور و دراز و پر ماجراجویی دارد که حتماً دولت ترکیه و متولیان صنعت گردشگری آن از «توریسم غذا» در کشورشان و به‌خصوص شهر استانبول با عروس دو قاره اروپا و آسیا، بی‌اعتنا نیستند و به‌خوبی وبا تمام ظرفیت آن‌را استفاده می‌کنند. آنها باتوجه به هدف‌گذاری‌های متنوع در صنعت پر جاذبه توریسم به‌خوبی می‌دانند که سفر برای

تله چای ترک و ماهی دریای مرمره

ساعتی از ظهر گذشته است و باید غذایی بخورم تا بتوانم گشت‌وگذارم را به‌سوی محله فاتح و دیدنی‌های آن مانند مسجد ایاصوفیا، کاخ توپکاپی، مسجد آبی ... ادامه دهم. بعد از چندین سفر به ترکیه و به‌خصوص استانبول به‌خوبی می‌دانم رستوران‌های انبوه زیر پل گالاتا یا رومیزی‌ای قرمز و عکس ماهی‌های و سوسه‌انگیز داخل منوهای آن، انتخاب خوبی است. از کنار رستوران‌های نه چندان بزرگ و شیک زیر پل می‌گذرم تا شاید بتوانم عکسی بگیرم و به قول معروف لحظه‌ای را شکار کنم. ماهی‌های تازه شکار شده و چشمانی که انگار فرصت نکرده‌اند بعد شکار بسته شوند، توچه‌م را جلب می‌کند. دوربین را آماده می‌کنم و عکس می‌گیرم. جوانی که

انگار مرا زیر نظر دارد جلو می‌آید و به قول معروف بفرمایی می‌زند. مرحبایی می‌گویم و سری به نشانه تشکر تکان می‌دهم که واژه‌ای در ماهی‌های «مرحمت» را بر زبان می‌آورد و استکان چای روی میز رانشانم می‌دهد.

هنوز نشسته‌ام که در پاسخ جوان در مورد ملیتم می‌گویم ایرانی هستم. انگار چهره‌اش باز می‌شود و بدون بر زبان آوردن کلامی با زبان بدن می‌گوید: ای بابا، پس از خودمان هستی! دلپیش هم این است که با هجوم ایرانی‌ها به ترکیه، اهالی کاسب این کشور که تا چند سال قبل به زبانی غیر از ترکی حرف نمی‌زدند به‌اندازه‌ای که کارشان راه را بیندازد. فارسی را یاد گرفته‌اند. طوری که انگار معنی «مرحمت» یا واژه‌ای را که قبلاً گفته است، نفهمیده‌ام، تکرار می‌کند ناچار! این رفتار او قطعاً مبتنی بر معادلات اقتصادی و کاسبی نیست و باید به‌دنبال دلیل چنین کاری بگردم. وقتی که جای را که در کنار آن یک باقاولی خوش‌ترکیب هم دلبری می‌کند، می‌آورد از شغلم می‌پرسد و می‌گویم می‌نویسم و خبرنگار هستم. برقی در چشمانش می‌درخشد. بعد هم بدون این‌که منتظر بمانم می‌رود و منوی چند لنی رستوران را که انگار ماهی‌های زیبا و تصویر برخی غذاهای ترکی آن همین الان از زیر دستگاه چاپ و زیراکس درآمده‌اند با خودش می‌آورد.

منو را مقابلم باز می‌کند و دوباره کلمه «مجان» را تکرار می‌کند. دیگر شکی ندارم که کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه است. به‌خصوص که دیشب یکی از همسفران که البته در هتل با هم آشنا شده‌ام، از داستانی می‌گوید که در اطراف میدان تقسیم (یا به قول خودشان تقسیم) در

یکی از کوچه‌های منشعب از خیابان استقلال برایش رخ داده است. داستانی که ظاهراً همه روز تکرار می‌شود و افراد را در بهانه ماساژ به جایی با عنوان Golden Club می‌کشاند و تلک‌شان می‌کند. داستان هم از این قرار است که هیچ‌گونه خدمتی در کار نیست و افراد داخل کلاب که هرکدام نقشی را بر عهده دارند، صحنه را طوری می‌چینند که فرد در هر صورت از گرفتن چنین سرویسی پشیمان شود. البته پشیمانی آخر کار نیست، چون قربانی باید قبل از خروج از کلاب به بهانه این‌که مشاوره‌ای گرفته است و برایش نوشته‌ای‌ای باز کرده‌اند ۵۰ یورو یا چیزی معادل آن بپردازد. ضمن این‌که هیچ راهی برای فرار از این صحنه از پیش برنامه‌ریزی‌شده وجود ندارد و اگر فرد با رضایت خودش این مبلغ را بپردازد، در آن فضای نیمه‌تاریک و

رنگی کسان می‌هستند که این مبلغ را از کیف یا جیب توریستی که حتماً بدون پول در شهر نمی‌گردد، در بیاورند.

مسافر، همان مهمان است!

می‌گویم ممنونم. قصد خاخوردن زیر پل را ندارم و می‌خواهم در کوچه پس‌کوچه‌های اطراف ساندویچی بخورم و خودم را به شامی که در هتل منتظرم است برسانم اما فرد دومی هم به کمک جوانی که حالا می‌دانم نامش اورهان است، می‌آید و با زبان شکسته‌سته ترکی و فارسی می‌گوید: اورهان صاحب رستوران است و دلش خواسته که مجانی از تو پذیرایی کند، حرفی هست؟! البته این «حرفی هست؟» را من حدس می‌زنم و گرنه فارسی او هم مانند ترکی من در حد همان افندی و تشکورو همین کلمات دست‌وپاشکسته است. جالب است که در حرف‌هایش چند باری واژه «مسافر» را تکرار می‌کند و من ته دلم می‌گویم اشکال همین است که من مسافرم و شما هم ظاهراً قصد مسافرگشی دارید. گرچه بعداً می‌فهم که ترک‌ها برای «مهمان» واژه «مسافر» را به کار می‌برند.

بگذریم! اورهان در لنت چهارم منو یک نوع ماهی را نشان می‌دهد که انگار انتخاب بدی نیست، می‌گویم کاملاً سوخاری و پخته باشد. این پلان از داستان هم می‌گذرد، غذا می‌رسد و خداکیلی خیلی خوشمزه و مطبوع است. منوپی که ابتدای کار آورده‌اند روی میز است. نگاهی می‌اندام و قیمت آن را با ساندویچی که قرار بود بخورم مقایسه می‌کنم. ۵۰ درصد یا به قول دوستان افغانستانی ۵۰ فی‌صدی گران‌تر است اما واقعا ارزشش را دارد. حس خیلی خوبی دارم از خوردن غذای خوشمزه و نوعی ماهی که اسمش را نمی‌دانم و ذوق‌زدگی از طعم و مزه آن باعث می‌شود پادم برود که نامش را ببرسم. تصمیم می‌گیرم پول غذا را بپردازم. اورهان که می‌بیند اثری از غذا و متعلقات آن روی میز موجود نیست می‌آید

نگارخانه

آغاز رقابت عکس ۲۷۰۰

عکاسانی از چندین کشور دنیا با بیش از ۲۷۰۰ عکس در جشنواره «عکس ۵» به رقابت پرداختند و قرار است آثار برگزیده این جشنواره روز یکم تیرماه در مراسم افتتاحیه معرفی شود. در

این رویداد آثار عکاسانی از کشورهای ایتالیا، ژاپن، تایلند، هندوستان، افغانستان، ترکیه، فرانسه، کشورهای آمریکای جنوبی و امارات متحده عربی در کنار آثار هنرمندان ایرانی رقابت خواهند کرد و یکم تیرماه اسامی برگزیدگان از ساعت ۱۷ تا ۲۰ در محل سینما تک موزه هنرهای معاصرتهران معرفی می‌شوند.

برگزاری نخستین رویداد ملی «هم نوشت»

برنامه‌های نخستین رویداد «هم نوشت»، گردهمایی فعالان صنعت نوشت‌افزار ایران اعلام شد. در این گردهمایی که یکم تیرماه، همزمان با هشتمین نمایشگاه تخصصی نوشت‌افزار (ایران پنکس) در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی

شهر آفتاب برگزار خواهد شد، توزیع‌کنندگان، فروشگاه‌داران، طراحان، تولیدکنندگان صنعت و نهادهای مختلف مرتبط با این صنعت حضور خواهند داشت. براساس اعلام دبیر‌های نخستین رویداد هم‌نوشت، رومنائی از سندر اهربردی صنعت نوشت‌افزار را حضور وزیر صنعت، معدن و تجارت، پتل تخصصی «نوآوری در نوشت‌افزار، حال و آینده» با حضور تولیدکنندگان و فعالان پیش‌روی صنعت، رومنائی از جدیدترین محصولات صنعت و تجلیل از پیشکسوتان و فعالان برتر، ازجمله برنامه‌های این رویداد خواهد بود. قرار است گردهمایی فعالان صنعت نوشت‌افزار ایرانی با حضور فعالان این صنعت با هدف هم‌افزایی، هم‌اندیشی، انریختنی و هدایت عمیق‌تر فنی و محتوایی به‌صورت سالانه برگزار شود. لازم به یادآوری است گرچه این رویداد عنوان نخستین دوره را برای خود برگزیده اما در سال‌های اخیر چنین نمایشگاهی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شده است.

رویداد



فرهنگ

CULTURE

سه‌شنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ شماره ۶۵۱۶

معرفی کتاب

استانبولچی «روایت متفاوت از سفر به استانبول درماه محرم»

ترکیه به ویژه استانبول به عنوان شهری کهن که متولیان صنعت گردشگری این کشور به خوبی از ظرفیت‌های تاریخی، مذهبی، اقتصادی، طبیعی و ... آن استفاده کرده‌اند، قابلیت‌هایی دارد که با توجه به لنز و نگاه مخاطب، ظرفیت روایت‌های گوناگونی دارند. کتاب استانبولچی روایتی خلق و در عین حال جدید از حال و هوای استانبول به‌عنوان مرکز اقتصادی و گردشگری ترکیه است.

معصومه صفایی‌راد در کتاب استانبولچی که چاپ اول آن در تابستان ۱۴۰۱ منتشر شده است، تجربیات خود و همسرش را از حضور در ده نخست محرم در شهر استانبول، در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. در این ۱۰ روز صفایی‌راد و شفیعی که عکاس است و به‌اتفا عکس‌های کتاب هم به دست او گرفته شده، به امکان مختلف در استانبول سر زدند و در عزاداری‌های مردم استانبول، که با سبک و سیاقی متفاوت انجام می‌شود، شرکت کرده‌اند. زبان ساده و روان کتاب، سبک کشیدن این دو مسافر در

اماکن تاریخی و مذهبی شهر استانبول، بازگویی جزئیات و ترجمه فارسی اشعار ترکی که بر در دیوار شهر درج شده، از ویژگی‌های برجسته کتاب است که به سؤالات مخاطب کنج‌خاکوا ایرانی پاسخ می‌دهد. این کتاب از سوی انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده و روانه بازار نشر شده است.

